

## جرم ارتداد، احکام و آثار آن در اسلام

### قدرت الله علی زاده

عضو کادر علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تاج.

#### چکیده

ارتداد یکی از مباحث مهم فقه سیاسی است که از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد. در تمامی مذاهب اسلامی ارتداد جرم علیه دین و عقیده به حساب آمده و دارای مجازات سنگین می‌باشد؛ از آنجا که این جرم دارای مجازات سخت و سنگین است، لذا طرح این موضوع که جرم انگاری ارتداد با اصل آزادی دینی انسان در تعارض است یا خیر؟ و از کدام راه‌ها می‌توان این جرم را ثابت ساخت، مهم می‌نماید. در این تحقیق نویسنده با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای به دنبال این است تا بعد از تبیین مفهوم ارتداد، احکام و آثار آن را بیان نموده، شرایط تحقق و راه‌های اثبات آن را به بررسی گرفته و رابطه ارتداد با اصل آزادی انسان را توضیح دهد. یافته‌ها و نتایج به دست آمده از تحقیق این است که جرم انگاری ارتداد با اصل آزادی دینی انسان در تعارض نیست؛ زیرا دین اسلام در انتخاب دین، برای انسان بیشترین آزادی و اختیار را می‌دهد تا از روی بصیرت و آگاهی کامل، دین خویش را انتخاب نماید و در انتخاب دین هیچ گونه اجباری وجود ندارد. اما زمانیکه دین را پذیرفت، کنار گذاشتن و تغییر آن ممکن نیست؛ چون تغییر دین سبب به وجود آمدن مشکلات زیاد برای اسلام و پیروانش می‌گردد؛ از این جهت ارتداد از منظر اسلام جرم علیه نظام اسلامی تلقی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: ارتداد، آزادی عقیده و فکر، جرم، مجازات، مرتد فطری، مرتد ملی

**الف: مقدمه (بیان مساله)**

ارتداد یکی از مباحث مهم فقه سیاسی اسلام است که آیات و روایات زیادی به جرم بودن آن دلالت دارد. ارتداد به معنای رجوع از دین اسلام است که دارای دو رکن می‌باشد: یک رجوع و بازگشت از اسلام و دومی قصد جنایی است، که در صورت عدم وجود هر یکی از این دو رکن، ارتداد محقق نخواهد شد. رجوع از دین به سه طریق ممکن است صورت پذیرد: با فعل و ترک فعل؛ با گفتار؛ و با اعتقاد. رجوع عملی از اسلام، با انجام دادن عملی که دین اسلام آن را حرام دانسته است، به شرط آن که انجام دهنده آن را حلال بشمارد، خواه قصدش انجام متعمدانه‌ی عمل حرام باشد یا به عنوان استهزاء و استخفا آن عمل را انجام دهد و یا هم از روی عناد و تکبر باشد مانند سجده کردن در مقابل بت، یا خورشید و یا هر ستاره دیگری خروج از دین تحقق می‌یابد، هم چنین کسی که از انجام عملی که اسلام آن را واجب دانسته است، سر باز زند، و ترک آن را حلال بداند رجوع از دین صورت می‌پذیرد.

بنابراین ارتداد عملی در واقع با حلال شمردن حرام و حرام شمردن حلال محقق می‌شود. ارتداد با گفتار نیز قابل تحقق است و آن به گونه‌ی است که شخص گفتاری که فی نفسه کفر یا بنابر اقتضای کفر است بر زبان جاری نماید، مثلاً وجود خداوند را انکار نماید یا وحدانیت او را منکر شود و یا هم برای او شریک قائل شود. ارتداد با اعتقادات منافی با شریعت اسلامی نیز محقق می‌شود مانند کسی که معتقد به قدیم بودن عالم باشد یا به حادث بودن خداوند (ج) عقیده داشته باشد، یا اعتقاد به این که قرآن کریم از جانب خدا نیست و اعتقاداتی از این قبیل که با قرآن و سنت منافات دارد، باعث خروج از دین می‌گردد (عوده، ۱۳۹۴: ۷۷۳-۷۷۶).

ارتداد یک جرم فقهی است نه قانونی، یعنی قانونگذار ارتداد را جرم انگاری ننموده و هیچ ماده‌ی در قانون به جرم ارتداد اختصاص نیافته است؛ بلکه ارتداد از منظر فقه جرم تلقی گردیده و برای آن مجازات سخت و شدید بیان گردیده است. اینکه جرم ارتداد دارای مجازات حدی است یا تعزیری میان فقهای اسلامی اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ی از فقها ارتداد را جرم مستوجب حد می‌دانند و برای آن مجازات حدی قائلند، ولی برخی دیگر از فقهای اسلامی که عمدتاً فقهای شیعه مذهبند، مجازات جرم ارتداد را تعزیری می‌دانند.

در این مقاله نویسنده به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که فلسفه جرم انگاری ارتداد چیست؟ و دارای کدام احکام و آثار می‌باشد؟ و آیا جرم شمردن ارتداد و برگشت از دین مخالف با اصل آزادی فکر و اندیشه انسان نیست؟ فرضیه تحقیق آنست که ارتداد از اسلام قیام علیه نظام اسلامی تلقی می‌شود و امروزه اکثریت کشورها کسی که بخواهد علیه نظام آن کشور توطئه کند و قوانین اجتماعی و سیاسی کشور را نقض کند، به سخت‌ترین مجازات محکوم می‌نماید، ضمناً ارتداد یک نوع پیمان شکنی است و کسی که در دایره اسلامی وارد گردیده، دوباره از اسلام بر می‌گردد، در واقع عهد و پیمان خویش را شکسته است، بدین جهت مستحق کیفر و مجازات خواهد بود. هدف از تحقیق حاضر، بیان دلایل جرم انگاری ارتداد، احکام و آثار آن می‌باشد. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی انجام شده و با ابزار کتابخانه‌ی مسئله‌ی یاد شده را به بررسی می‌گیرد.

**ب: مفاهیم و پیشینه جرم ارتداد**

ارتداد در لغت به معنای مطلق برگشتن است از هر امری که باشد، در اصطلاح ارتداد به معنای برگشتن از دین مقدس اسلام است و به برگشت کننده مرتد گفته می‌شود و با انکار یکی از اصول دین (توحید، نبوت و معاد) محقق می‌شود و یا با انکار ضروریات دین تحقق می‌یابد (الجبلی العاملی، ۱۴۱۰: ۳۳۳-۳۳۵).

مذاهب چهارگانه اهل سنت هر کدام تعاریف متفاوتی از جرم ارتداد ارایه نموده اند، فقهای حنفیه و مالکیه در تعریف جرم ارتداد می‌گویند که انسان بعد از آن که کلمه شهادتین را بر زبان جاری نموده و ملزم به احکام آن خود را بداند، کفر را اختیار نماید، فقهای شافعیه می‌گویند: ارتداد یعنی بریدن از دین اسلام با نیت یا سخن یا کار کفر آمیز. (رحیمی، ۱۳۷۹: ۴). مرتد کسی است که به آیین اسلام بعد از پذیرش، پشت کرده با گفتار یا عمل کفر آمیز، دین و آیین دیگری را پذیرفته باشد. (محقق حلی، ۱۳۸۹: ۱۸۹؛ و خمینی، ۱۴۰۱: ۳۹۲).

در زمینه جرم ارتداد کتب و مقالات زیادی از سوی دانشمندان اسلامی به رشته‌ی تحریر در آمده است، اما بیشتر این اندیشمندان یا تنها احکام آن را بیان نموده اند و یا هم تنها فلسفه جرم انگاری آن را بیان نموده اند؛ نویسنده در این مقاله سعی نموده است تا بعد از بیان چپستی ارتداد و احکام و آثار آن به تبیین رابطه‌ی ارتداد با آزادی دینی انسان و دلایل جرم انگاری آن بپردازد.

### ج: اقسام ارتداد

فقه‌های امامیه بر عکس فقه‌های اهل سنت مرتد را به دو قسم مرتد ملی و مرتد فطری تقسیم نموده اند؛ مرتد فطری به کسی اطلاق می‌شود که از پدر و مادر مسلمان متولد شود و یا یکی از والدین آن‌ها مسلمان باشد و بالغ شود بر وصف اسلام، یعنی از زمان ولادت تا هنگام بلوغ حکم به کفر وی نشده باشد، بعضی از فقها انعقاد نطفه را در حین اسلام یکی از والدین کافی می‌دانند؛ مرتد ملی کسی است که کافر بوده و اسلام را پذیرفته و دو باره از دین بر گشته است. (فیض و مهذب، ۱۳۶۶: ۲۱۴).

بعضی در تعریف مرتد فطری و ملی گفته اند: مرتد فطری مرتدی است که هنگام بسته شدن نطفه او لاقل یکی از والدین او مسلمان بوده است و مرتد ملی، مرتدی است که هنگام انعقاد نطفه او والدینش کافر بوده اند. (فیض، ۱۳۷۳: ۳۶۷).

با توجه به این که فقه‌های اهل سنت تقسیم مرتد به ملی و فطری را نمی‌پذیرند، برای هر دو حکمی یکسانی را بیان نموده اند.

### د: شرایط تحقق ارتداد

برای تحقق جرم ارتداد وجود چند شرط لازم است که در صورت وجود همه آن شرایط احکام آن قابل اعمال می‌باشد، این شرایط عبارتند از:

#### ۱. بلوغ

چون فرد نابالغ مکلف نیست و اعمال عمدی وی در حکم خطاست چه مراهق باشد (نزدیک به بلوغ) و چه نباشد. فقه‌های امامیه در مورد این شرط اجماع دارند، اما شیخ طوسی اسلام کودک مراهق را قابل قبول دانسته و در صورت خروج وی از اسلام حکم به ارتدادش نموده و وی را مستحق مجازات می‌داند، مستند قول این حدیث شریف را می‌داند: یعنی کودک وقتی به سن ده سالگی برسد، تمامی حدود بر وی جاری می‌شود و قصاص می‌شود و وصیت او نافذ می‌باشد. (النجفی، ۱۳۶۳: ۶۰۹).

اما دیگر فقه‌های امامیه این روایت را قبول ندارند. برخی از فقه‌های امامیه قائلند که چنانچه مجنون و کودک مرتد شوند، باید تأدیب شوند. (امینی و آیتی، ۱۳۷۵: ۴۰۶).

فقه‌های شافعیه و مالیکه برای تحقق جرم ارتداد بلوغ را شرط می‌دانند و حکم به ارتداد کودک نمی‌نمایند، اما حنفیه بلوغ را برای تحقق ارتداد شرط ندانسته اند و برخی حنابله ارتداد کودک ممیز را صحیح دانسته اند و برخی از آنان سن ارتداد کودک را ده سال و برخی هفت سال ذکر نموده اند، اما بر اساس نظر دیگری از امام احمد ابن حنبل روایت شده، ارتداد کودک صحیح نیست تا آن که به حد بلوغ برسد (رحیمی، ۱۳۷۹: ۶).

#### ۲- کمال عقل

ارتداد مجنون مطبق (دایمی) و مجنون ادواری (مؤقتی) معتبر نیست. امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت این شرط را اجماعاً پذیرفته اند، زیرا مجنون مکلف نیست؛ ولی چنانچه مجنون خسارات مالی را به دیگران وارد نماید، ملزم به جبران آن می‌باشد.

از نظر امامیه ارتداد فرد سکران (مست) همانند ارتداد مجنون پذیرفته نیست، حنفیه، مالکیه و حنابله نیز ارتداد فرد سکران را نپذیرفته‌اند، حنابله در یکی از اقوالشان و همچنین شافعیه حکم به ارتداد فرد سکران نموده اند و گفته اند که پس از زوال مستی از فرد مرتد خواسته می‌شود تا توبه کند، چنانچه توبه نکند، کشته می‌شود. (الغروی، ۱۴۱۹: ۶۵۵).

۱- «للسبی اذا بلغ عشر سنین اقيمت عليه الحدود التامه واقتص منه و تنفذ وصيته».

## ۳- اختیار

اگر فردی از روی اجبار و اکراه از اصول دین یا یکی از ضروریات دین انکار نماید، به ارتدادش حکم نمی‌شود، دلیل این سخن آیه «الّا من اُكْرِه و قلبه مطمئن بالایمان» (نحل/۱۰۶) می‌باشد، همه مذاهب پنجگانه اسلام این شرط را قبول دارند.

## ۴- علم به مضمون لفظ

اگر شخصی به مدلول و محتوای لفظ کفر آمیزی که می‌گوید علم نداشته باشد، مرتد به حساب نمی‌آید، بنابراین، ضروری است که شخص به سخن کفر آمیزی که بر زبان جاری می‌نماید، جاهل نباشد. صاحب کشف اللثام این شرط را پذیرفته و گفته است: «هرگاه کسی جاهل باشد، و در اثر جهل که دارد یکی از مسائل ضروری اسلام را انکار نماید- چه مسئله ایجابی باشد یا سلبی- مرتد به حساب نمی‌آید.» صاحب جواهر به این شرط ایراد گرفته و آن را قبول ندارد. (رحیمی، ۱۳۷۹: ۶).

## ۵- قصد داشتن به مدلول لفظی و انکار آن به طور جدی

بنابراین اگر از روی غفلت، سهو، شدت پریشانی یا در حالت خواب، بیهوشی و قهر و غضب بی اختیار سخن کفر آمیزی بر زبان جاری کند، محکوم به ارتداد نخواهد شد. (الجبلی العاملی، ۱۴۱۰: ۲۳۳).

## هـ: راه های اثبات جرم ارتداد

برای اثبات جرم ارتداد فقهای اسلامی راه هایی را ذکر نموده اند، این راه ها عبارتند از:

## ۱- اقرار

یکی از راه های اثبات جرم ارتداد اقرار است، یعنی اینکه شخص مرتد دو بار اقرار به ارتداد و کفر خود نماید. قابل ذکر است که تنها فقهای اهل تشیع قائل به اثبات جرم ارتداد توسط اقرار شخص مرتد می‌باشند و فقهای اهل سنت به این راه اشاره ننموده‌اند (الخمینی، ۱۳۶۳: ۴۹۶).

## ۲- شهادت دو مرد عادل

شهادت دو مردی عادل که به صراحت از فردی شنیده باشد که گفته باشد من خدا را قبول ندارم و یا نبوت پیامبر را انکار نموده نماید، موجب اثبات ارتداد شخص می‌شود؛ بنابراین اگر شخص سخنی را گفته باشد که صراحتاً کفر را افاده نکند ولی شهود از سخن وی کفر را استنباط نماید، ثابت کننده ارتداد نخواهد بود. (الموسوی الخمینی، ۱۳۹۶: ۴۹۶). نکته دیگر آنکه شهادت تنها زنان و بدون همراهی مردان ارتداد را ثابت نمی‌کند.

۳- بوسیله هر سخن یا عملی که به روشنی دال بر انکار یا مسخره کردن یا سبک شمردن دین باشد. مثل سجده کردن بر بتها، انداختن قرآن در جای پلید و زباله، یا انکار یکی از ضروریات دین مثل وجوب نماز، یا مباح شمردن یکی از محرمات دینی به طوری که این عمل سبب تکذیب قرآن یا پیامبر شود، موجب اثبات ارتداد می‌شود، در باره این راه میان همه مذاهب اسلامی اتفاق نظر وجود دارد. (فیض، ۱۳۷۳: ۴۱۶).

## و: مجازات جرم ارتداد از دیدگاه فقهای تشیع

تمامی مذاهب فقهی اسلامی برای مرتد مجازات هایی را در نظر گرفته اند. همانگونه که قبلاً بیان گردید، امامیه مرتد را به دو نوع ملی و فطری تقسیم نموده اند، طبیعتاً مجازات های متفاوتی را نیز برای شان بیان نموده اند. در ذیل ابتدا مجازات مرتد ملی و فطری از نگاه فقه امامیه بیان گردیده و بعد از آن مجازات مرتد از نگاه فقهای مذاهب اربعه اهل سنت بیان می‌گردد.

## ۱- مجازات مرتد فطری از دیدگاه امامیه

فقهای امامیه برای مرد مرتد فطری مجازات های ذیل را بیان نموده‌اند:

۱-۱ برداشته شدن ولایت وی از دخترش در امر ازدواج

۱-۲ منحل شدن پیوند ازدواج مرتد فطری

۱-۳ تقسیم اموال و دارایی بین وارثین

۱-۴ محروم شدن از میراث

۵-۱ عدم پذیرش توبه

۶-۱ اعدام

از جمله مجازات مرد مرتد فطری این است که پیوند زناشویی وی گسسته می‌شود و همسرش بدون جاری شدن صیغه طلاق از وی جدا می‌شود و همسرش عده وفات نگه می‌دارد و بعد از سپری شدن عده وفات می‌تواند با مرد دیگری ازدواج نماید؛ زیرا مرد مرتد از دیدگاه امامیه، مرده فرض می‌شود. مجازات دیگری مرد مرتد فطری آن است اموال وی بعد از ادای دیون اش میان ورثه اش تقسیم می‌شود، هر چند زنده باشد. از کیفرهای دیگر مرد مرتد فطری آن است که وی از مسلمان میراث نمی‌برد و چنانچه وارث نداشته باشد، امام وارث وی خواهد بود. (طوسی، بی تا: ۲۸۳). مجازات دیگری مرد مرتد فطری اعدام و عدم پذیرش توبه وی می‌باشد. نا گفته نباید گذاشت بعضی فقهای شیعه از جمله ابن جنید و اسکافی، صاحب مسالک، صاحب جواهر و صاحب عروه به پذیرش توبه مرد مرتد فطری قائلند (یزدی، ۱۳۷۴: ۲۸۱).

## ۲- مجازات زن مرتد فطری از دیدگاه امامیه

در فقه امامیه برای زن مرتد فطری مجازات زیر را وضع نموده‌اند:

۱-۲ گسسته شدن پیوند زناشویی

۲-۲ حبس

۳-۲ اعدام «در صورت تکرار در بار چهارم»

در فقه امامیه برای زن مرتد فطری مجازاتی از قبیل گسسته شدن پیوند زناشویی، زندان و سخت گیری در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب زن مرتد فطری مرده فرض نمی‌شود و اموال وی در ملکیت خودش باقی می‌ماند، اگر ارتدادش قبل از دخول باشد، بدون طلاق از همسرش جدا می‌شود و از زمان ارتدادش عده نگه می‌دارد، اگر زن در هنگام عده توبه نماید، بدون عقد مجدد به همسرش مراجعه می‌کند، زن هر چند که مرتد فطری باشد اعدام نمی‌گردد. در هنگام نماز زن مرتد را می‌زنند و به او بدترین خوراکیها را می‌خورانند و ضخیم‌ترین جامه‌ها را می‌پوشانند، تا توبه کند یا بمیرد، اگر مرتد شدن زنی تکرار شود در بار چهارم اعدام می‌شود (یزدی، ۱۳۷۴: ۲۸۱).

## ۳- مجازات مرتد ملی از نظر امامیه

در فقه امامیه برای مرتد ملی مجازات هایی از قبیل گسسته شدن عقد ازدواج، زندان و احیاناً اعدام در نظر گرفته شده است. بدین گونه که اگر مرتد ملی \_عم از زن و مرد\_ ارتدادش قبل از دخول باشد، عقد ازدواجش فسخ می‌گردد، و اگر ارتدادش بعد از دخول صورت گرفته باشد، فسخ ازدواجش متوقف بر انق-

ضای مدت عده خواهد بود، اگر در هنگام سپری شدن عده توبه کند، ازدواج شان به حال خود باقی خواهد بود اما اگر در هنگام سپری شدن عده توبه نکند، زن و مرد از همدیگر جدا می‌شوند. در فرضی که ارتداد قبل از دخول صورت گرفته و مرتد هم مرد باشد، زن مستحق نصف مهریه شناخته می‌شود، اگر ارتداد مرد بعد از دخول صورت گرفته باشد، مرد مکلف است تمام مهریه را بپردازد. اگر زن مرتد شده باشد، هیچ مهریه‌یی به وی تعلق نخواهد گرفت. مرتد ملی در فقه شیعه چون مرده فرض نمی‌شود، اموال وی نیز میان ورثه اش تقسیم نمی‌شود. (الجبلی العاملی، ج: ۲، ۱۴۱۰: ۳۴۳).

از زن و مرد مرتد ملی خواسته می‌شود تا توبه کنند، چنانچه مرد توبه نکند اعدام می‌شود، اگر زن مرتد ملی توبه نکند، حبس ابد می‌شود تا بمیرد. مدت توبه خواهی بنا بر قولی سه روز و بنا بر قولی دیگر مدتی است که امید می‌رود در آن مدت توبه کند اگر ارتداد شخص تکرار شود بنا بر قولی در بار چهارم و بر اساس نظری دیگری در بار پنجم کشته می‌شود (الجبلی العاملی، ج: ۲، ۱۴۱۰: ۳۴۵).

## ز: مجازات شخص مرتد از دیدگاه فقهای اهل سنت

اهل سنت در باره زن و مرد مرتد حکم یکسانی را بیان نموده اند، هم چنین فقهای اهل سنت تقسیم مرتد به ملی و فطری را نمی‌پذیرند و تفاوت میان مرتد ملی و فطری قائل نیستند و معتقدند که هر نوع مرتدی باید کشته شود، به جز فقهای حنفیه \_که بعداً بیان خواهد شد\_ زن مرتد را مستحق قتل نمی‌دانند.

**(۱) مجازات مرتد از دیدگاه امام ابوحنیفه**

همانگونه که قبلاً بیان گردید فقهای حنفیه برای زن و مرد مرتد مجازات متفاوت قائلند، بنابراین مجازات هر یک به طور جداگانه بیان می‌گردد.

**۱-۱ مجازات مرد مرتد از نظر امام ابوحنیفه**

فقهای حنفیه برای مرد مرتد مجازات هم چون گسسته شدن پیوند ازدواج، ممنوعیت ازدواج، کیفرهای مالی، زندان و اعدام را بیان نموده است. بدین صورت که اگر مردی مرتد شود، همسرش \_ اعم از اینکه کتابی باشد یا مسلمان \_ از وی جدا می‌شود چه ارتدادش قبل از دخول باشد یا بعد از دخول، اگر مرد قبل از دخول مرتد شده باشد، زن می‌تواند نصف مهریه را از مرد بگیرد، و چنانچه مرد بعد از دخول مرتد شده باشد، زن حق دارد نفقه ایام عده را از مرد بگیرد، اگر زن و مرد هردو مرتد شده باشد، ازدواجشان به حال خود باقی می‌ماند.

در مورد ممنوعیت ازدواج مرد فقهای حنفیه گفته اند که اگر مردی مرتد شود با زن مرتد یا مسلمان نمی‌تواند ازدواج کند. (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۰).

از دیگر مجازات مرد مرتد زندان و اعدام است. بدین صورت که بر قاضی مستحب است که اسلام را بر مرتد عرضه کند و شبهه ای که موجب ارتدادش شده را رفع نماید، چنانچه ارتدادش به خاطر شبهه ای باشد که برایش پیش آمده است، اعدام نمی‌شود. در صورتی که مرتد در خواست مهلت نماید، برایش سه روز مهلت داده می‌شود و در این سه روز زندانی می‌گردد و اسلام برایش عرضه می‌شود و اگر مسلمان نشد حکم به کشتن وی می‌شود و اگر مرتد مهلتی را در خواست نکرد، بی درنگ کشته می‌شود. (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۱).

**۱-۲ مجازات زن مرتد از نظر امام ابوحنیفه**

فقهای حنفیه برای زن مرتد مجازات مالی زندان و زدن را در نظر گرفته است. به این صورت که اگر زنی مرتد شود، حق گرفتن مهریه و نفقه را ندارد، اما ملکیت وی نسبت به اموالش زایل نمی‌شود. به نظر ایشان زن مرتد کشته و اعدام نمی‌شود، به همین دلیل ارث هم می‌برد. (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۲).

زن مرتد به زندان افکنده می‌شود و هر روز زده می‌شود تا مسلمان شود، زن مرتد کشته نمی‌شود؛ زیرا در حدیثی پیامبر از کشتن زنان نهی نموده است. (الغروی، ۱۴۱۹: ۶۴۱).

**(۲) مجازات مرتد از نظر مالکیه**

مالکیه مجازاتی از قبیل ممنوعیت غسل و کفن و جلوگیری از تدفین در قبرستان مسلمین و کفار، انحلال پیوند ازدواج، کیفرهای مالی، تعزیر و اعدام برای فرد مرتد اعم از زن و مرد در نظر گرفته است. به اعتقاد فقهای مالکیه مرتد غسل و کفن نمی‌شود و در قبرستان مسلمانان و کفار دفن نمی‌گردد. (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۲).

یکی دیگر از مجازات شخص مرتد از نظر امام مالک رحمه الله بطلان وصیت شخص مرتد است، هر چند بعد از ارتدادش توبه نموده و مسلمان شده باشد، طبق یک دیدگاه دیگر از امام مالک اگر بعد از ارتداد شخص توبه نموده و مسلمان شده باشد، وصیت وی باطل شمرده نمی‌شود، شرط بطلان وصیت مرتد این است که در حال ارتداد بمیرد. (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۲).

دیگر مجازات شخص مرتد در دیدگاه مالکیه کشتن و اعدام است. بدین صورت که به مدت سه شبانه روز از مرتد خواسته می‌شود که توبه کنند، استتابه از زمانی شروع می‌شود که ارتدادش به اثبات رسیده است نه از زمان ارتدادش؛ در زمان توبه خواهی از مال و دارایی خودش به وی آب و غذا داده می‌شود، چنانچه مرتد در این مدت توبه نکند، با شمشیر کشته می‌شود. (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۲).

برای زن مرتد از نظر مالکی مجازات مالی و اعدام در نظر گرفته شده است. به نظر اینان زن مرتد مستحق نفقه شناخته نمی‌شود، برای زن مرتد همانند مرد سه شبانه روز مهلت توبه داده می‌شود و چنانچه در این مدت توبه نکرد، کشته می‌شود، اگر زن مرتد طفل شیرخوار داشته باشد، تا زمان اكمال دوران شیرخوارگی اعدامش به تعویق انداخته می‌شود. (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۳).

### ۳) مجازات مرتد از نظر شافعیه

از نظر شافعیه برای مرتد مجازات هم‌چون گسسته شدن پیوند زناشویی، ممنوعیت ازدواج، ولایت نداشتن در ازدواج دخترش، مجازات مالی و اعدام را بیان نموده است. به اعتقاد شافعیه مرد مرتد نمی‌تواند با زن مسلمان ازدواج نماید، همانگونه که نمی‌تواند با زن بت پرست ازدواج نماید.

در مورد انحلال رابطه زوجیت شخص مرتد باید گفت که از نظر شافعیه اگر زن و مرد یا یکی از آن دو مرتد شوند، چنانچه ارتداد ایشان قبل از دخول باشد، از همدیگر جدا می‌شوند و اگر ارتداد آن‌ها بعد از دخول باشد، جدا شدن آن‌ها متوقف بر سپری شدن عده می‌باشد، اگر بعد از سپری شدن عده هر دو به اسلام برگردند، ازدواج شان به حال خود باقی خواهند ماند و اگر یکی از آن دو مسلمان شود و دیگری مسلمان نشود، از همدیگر جدا می‌گردند. (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۳).

یکی دیگر از مجازات جرم ارتداد در دیدگاه شافعیه مجازات مالی است. به این صورت که مرتد از ارث محروم می‌شود، هرچند بعد از فوت مورث خود مسلمان شده باشد، لذا دارایی وی به عنوان فیء به بیت المال می‌رسد. شدیدترین مجازات مرتد از نظر شافعیه اعدام است، البته اگر مرتد توبه کند، توبه اش پذیرفته می‌شود. برخی از شافعیه توبه خواهی از مرتد را مستحب و برخی واجب می‌دانند. به نظر شافعیه چنانچه زن مرتد شود و توبه نکند، قتلش واجب می‌شود. (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۳).

### ۴) مجازات مرتد از دیدگاه حنبلی‌ها

حنبلی‌ها برای شخص مرتد مجازات مالی و اعدام را در نظر گرفته است، طبق دیدگاه فقهای حنبلی، مال و دارایی شخص مرتد از زمان ارتدادش و طبق دیدگاه برخی دیگر از فقهای مذهب مذکور از زمان مرگش «فیء» تلقی می‌شود. به نظر حنبلی‌ها مال و دارایی مرتد از زمان ارتدادش فیء تلقی می‌گردد و بر طبق دید. البته ابتدا باید دیون وی ادا شود و بعد دارایی وی فیء به حساب می‌آید، بر اساس همین نظر باید اموال شخص مرتد نزد شخص مؤثقی از مسلمانان یا بیت المال گذاشته می‌شود، از همین جهت به محض ارتداد شخص، حکم به زوال ملکیتش نمی‌شود، بلکه اگر به اسلام بازگشت نمود، حکم به بقاء ملکیتش می‌شود، بر اساس همین دیدگاه مرتد از تصرف در مال خودش ممنوع قرار داده می‌شود، اگر مسلمان شد، اموالش با ملکیت جدید به وی باز گردانده می‌شود. طبق نظر دیگری از فقهای حنبلیه تمام تصرفات شخص مرتد به اسلام آوردنش بستگی دارد، اگر مسلمان شد، تصرفاتش درست است، در غیر آن تصرفات وی اعتبار ندارد. (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۴).

حنابله مجازات اعدام را برای مرتد اعم از زن و مرد قائلند. هر که مرتد شد، چه زن باشد یا مرد، در صورتی که بالغ و عاقل باشد، برایش سه روز مهلت داده می‌شود، چنانچه در این مدت توبه کرد، توبه اش پذیرفته می‌شود؛ ولی اگر توبه نکرد اعدام می‌شود. بر اساس روایت دیگری که از احمد بن حنبل نقل شده است، توبه خواهی از شخص مرتد واجب نیست، بلکه مستحب است و باید توبه وی با میل و رغبت صورت گیرد. ولی اگر مسلمانی مرتد شود و بر بازگشت به اسلام مجبور گردد، و با اجبار مسلمان شود، ظاهراً به مسلمان بودن وی حکم می‌شود؛ زیرا اجبار به حق شده است. در روایت دیگری از امام احمد بن حنبل نقل شده است که اگر ارتداد کسی تکرار شود، به دلیل آیه ۱۳۷ سوره نساء توبه اش پذیرفته نمی‌شود. (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۵). همانگونه که اشاره شد حنبلیه برای زن و مرد مرتد حکم یکسانی را در نظر گرفته اند و در صورتی که بر ارتدادش اصرار ورزد، قتل هردو واجب است.

### ح: ارتداد و آزادی

اسلام برای انسان آزادی‌های گوناگونی را قائل است، از قبیل آزادی شخصی، آزادی فکری، آزادی دینی و... و این آزادی‌ها را حق طبیعی انسان می‌داند. آزادی شخصی یعنی اینکه هر کس حق دارد همانگونه که خدا او را آزاد آفریده و برای او اراده و

<sup>۲</sup> فیء در لغت به معنای رجوع است، چنانچه در آیه کریمه آمده است «حتی تفیء الی امرالله...» تا زمانی که به سوی اطاعت از فرمان خدا بر می‌گردد. فیء در اصطلاح به اموالی گفته می‌شود که مسلمانان بدون جنگ و خون‌ریزی از اهل حرب به دست می‌آورند.

<sup>۳</sup> «إن الذین آمنوا ثم کفروا ثم آمنوا ثم کفروا کفرأ لم یکن الله لیغفرلهم» (نساء/ ۱۳۷).

اختیار داده است، حق دارد، سرنوشت خویش را تعیین نماید و تحت نفوذ و سلطه دیگران قرار نگیرد؛ چنانکه حضرت علی(ع) به فرزندش امام حسن(ع) می‌فرماید: بنده دیگران مباش در حالی که خدا تو را آزاد آفریده است.<sup>۴</sup>(شهیدی، ۱۳۷۳: ۳۰۴).

یکی دیگر از آزادی‌های انسان که اسلام آن را حق طبیعی افراد می‌داند آزادی فکری است. آزادی فکری یعنی اینکه انسان حق دارد در باره هر موضوع که دلش می‌خواهد فکر کند و هیچ کس حق ندارد عقاید و افکار او را کنترل نماید، به همین دلیل است که در روایات اسلامی تشویق به تفکر زیاد شده و یک ساعت تفکر را مساوی با شصت سال عبادت دانسته است.

یکی دیگر از آزادی‌های که اسلام برای انسان قائل است آزادی دینی است. بر اساس آزادی دینی انسان در انتخاب دین آزاد است و هر نوع عقیده و باوری که خواسته باشد، می‌تواند به آن معتقد باشد و همه ادیان و مذاهب اسلامی برای تبلیغ و ترویج دین خود و همچنین برای اجرای مراسم دینی و مذهبی خود آزاد هستند و اسلام به یک نوع همزیستی مذهبی باورمند است. در تاریخ اسلام نمونه‌های زیادی از این آزادی دینی و همزیستی مذهبی دیده می‌شود. مثلاً در سال دوم هجری پیامبر (ص) پیمانی با مسیحیان سر زمین سینا بست که آن پیمان با خط علی (ع) نوشته شده بود و در آن پیمان آزادی دینی و همزیستی مذهبی به خوبی مشهود است. آن پیمان چنین است: «... من عهد می‌کنم کشیش و راهب آنان را تغییر ندهم و اشخاص تارک دنیا را از صومعه نرانم و مسافر را از سفر باز ندارم و نماز خانه‌ها و خانه‌های آنان را خراب نکنم و چیزی از کلیساهای آنان برای ساختمان مساجد نیاورم و هرکس از مسلمانان چنین کند، پیمان خدا را شکسته است ... به هیچ کس از آنان نباید زور گفته شود و باید با مدارا با آنان رفتار شود و آزاری به آنان نرسد و هر جا باشند معزز و محترم خواهند بود.»(قربانی، ۱۳۶۷: ۳۹۹).

در همین باره از جابر بن عبدالله انصاری روایت است که جنازه را از نزد ما عبور می‌دادند، پیامبر اسلام به عنوان احترام برخاست. ما نیز برخاستیم. بعد به پیامبر عرض کردیم یا رسول الله مگر این جنازه یک مرد یهودی نبود؟ حضرت فرمود: چرا مگر یهودی انسان نیست؟ من به خاطر احترام به انسانیت برخاستم. شما هم هرگاه جنازه‌یی را دیدید، مربوط به هر آیینی که باشد به آن احترام کنید.»(قربانی، ۱۳۶۷: ۳۹۷).

بر همین اساس در سیره حضرت علی (ع) می‌خوانیم که وی، نه تنها برای پیروان سایر ادیان آزادی قائل بود بلکه برای آنان مانند مسلمانان حق بازنشستگی قائل بود. چنانکه روزی حضرت علی(ع) در حال عبور از راهی پیر مرد مسیحی را دیدید در حالیکه خیلی ناراحت بود، پرسیدند: این پیر مرد کیست؟ پاسخ شنیدند که یک پیر مرد مسیحی است. علی (ع) در حالیکه ناراحت به نظر می‌رسید فرمود: تا زمانی که قدرت داشت از او کار کشیدید، حال که ضعیف و ناتوان شده او را رها نمودید، زندگی و معاش او را از بیت المال تأمین نمایید.(حرعاملی، بی تا، ج: ۱۵، ۶۶).

با توجه به این همزیستی و تسامح دینی و با عنایت به انواع گوناگونی آزادی‌های که اسلام برای انسان قائل است، از قبیل آزادی مسکن، آزادی کار و سایر آزادی‌های که ذکر شد، این سوال مطرح می‌شود که چرا اسلام تغییر دین و آیین را اجازه نداده و ارتداد را جرم دانسته و برای آن چنانکه گذشت مجازات سنگین قائل است؟

در پاسخ به سوال فوق باید گفت که اسلام در انتخاب دین، بیشترین آزادی را برای انسان داده و هیچ گونه اجباری در انتخاب دین وجود ندارد، چنانکه در قرآن کریم آمده: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره/ ۲۵۶) هیچ اجباری در دین نیست، آیه فوق بیانگر آزادی دینی است. (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۴: ۴۱۳).

منظور از دین در آیه فوق متن دین که متشکل از عقاید، احکام و اخلاقیات می‌باشد که اجبار در آن نفی شده است(طالقانی، ۱۳۶۲: ۲-۵). علامه طباطبایی می‌گوید که دین از یک سلسله عقاید قلبی و ریشه دار تشکیل شده، که اجبار و تحمیل آن ناممکن و بی معناست(طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۴۲). طبق همین تفسیر گفته شده که: شخصی بنام صفوان نزد پیامبر آمد و از وی خواست که مدت دو ماه به مکه بماند و در باره اسلام تحقیق نماید، شاید حقیقت و درستی اسلام برایش روشن

۴- «ولاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حُرّاً» (شهیدی، ۱۳۷۳: ۳۰۴).



شود و مسلمان گردد. پیامبر برایش فرمود: من تو را چهار ماه مهلت می‌دهم (ابن الاثیر، ۱۴۰۹: ۲۹۹). لذا نگرشی که گویا اسلام از ناحیه شمشیر و جهاد گسترش پیدا نموده، مردود است.

بنابراین بسیاری از غزوات و جنگ‌های پیامبر مانند جنگ احد، احزاب، حنین، حالت دفاعی داشت و برای دفع توطئه دشمن بود. بسیاری از جنگ‌های پیامبر برای از بین بردن بت پرستی بود؛ چون از نظر اسلام بت پرستی دین و آیین نیست. علاوه بر این ادعا که دین اسلام از طریق جهاد و شمشیر گسترش پیدا نکرده، توسط غیر مسلمانان نیز تأیید شده است، چنانکه گوستاولوبون دانشمند مسیحی می‌نویسد: ما وقتی فتوحات صدر اسلام را به دقت مطالعه نماییم و اسباب و علل موفقیت آن‌ها را بررسی کنیم، می‌بینیم که آن‌ها در ترویج آیین خود از شمشیر استفاده نکردند؛ زیرا آن‌ها اقوام و ملل مغلوب را در پذیرش دین خود آزاد می‌گذاشتند. (قربانی، ۱۳۶۷: ۴۶۸).

با توجه به مطالب مزبور، اسلام پیش از آنکه مردم مسلمان شود، به ایشان می‌گوید: خوب تحقیق و بررسی نموده و دین را از روی علم و آگاهی بپذیرد؛ چرا که تغییر و کنار گذاشتن آن ممکن نیست و کیفرهای سختی را به دنبال دارد؛ زیرا تغییر کیش، موجب تزلزل در دین و پیروانش می‌گردد و مخالفان از این طریق به اسلام ضربه می‌زنند، در صدر اسلام هم بودند کسانی که اسلام را به ظاهر قبول می‌نمودند و از اسرار نظامی و دفاعی مطلع می‌شدند، بعد از چند صباحی دوباره از اسلام بر می‌گشتند. به همین دلیل ارتداد از اسلام، قیام علیه نظام اسلامی به حساب می‌آید. و امروزه در اکثریت کشورهای جهان کسی که علیه نظام توطئه کند و قوانین سیاسی و اجتماعی کشور را نقض نماید، به سخت‌ترین مجازات محکوم می‌نمایند. اسلام نیز به خاطر پاسداری از نظام سیاسی و اجتماعی خود مجازاتی را برای مرتد در نظر گرفته است. (فیض، ۱۳۷۳: ۴۲۰-۴۲۱).

### نتیجه گیری

از لابلای آنچه در مقاله بیان گردید نتایج زیر بدست می‌آید:

۱- ارتداد در لغت به معنای مطلق برگشتن است از هر امری که باشد، در اصطلاح ارتداد به معنای برگشتن از دین مقدس اسلام است و به برگشت کننده مرتد گفته می‌شود و با انکار یکی از اصول دین (توحید، نبوت و معاد) محقق می‌شود و یا با انکار ضروریات دین تحقق می‌یابد.

۲- تمامی مذاهب فقهی اسلامی ارتداد را جرم دانسته و برای آن مجازات سنگینی در نظر گرفته است؛ زیرا ارتداد یک نوع پیمان شکنی محسوب می‌شود؛ چون شخص زمانی که مسلمان می‌شود، با خالق خود تعهد می‌نماید که به توحید، نبوت و معاد و ضروریات دین پای بند باشد، اما وقتی که مرتد می‌شود، پیمان شکنی می‌نماید و آنچه را که قبلاً به آن متعهد شده نقض می‌نماید؛ از این جهت شخص مرتد باید مجازات شود. از طرفی همه مذاهب فقهی اسلامی برای تحقق ارتداد یک سری شرایطی در نظر گرفته است، هرچند در بعضی این شرایط با هم اختلاف نظر دارند.

۳- شیعه مرتد را به دو نوع ملی و فطری تقسیم نموده است، مرتد فطری آنست که از پدر و مادر مسلمان یا اینکه حداقل یکی از آن‌ها مسلمان باشد، به دنیا آمده باشد. مرتد ملی آنست که از والدین غیر مسلمان به دنیا آمده، به اسلام گرویده و دوباره از اسلام به کفر رجوع نموده است. به نظر امامیه مرتد فطری مجازات سنگین‌تری نسبت به مرتد ملی دارد. امامیه و حنفیه زن مرتد را مستحق مجازات کمتری نسبت به مرد مرتد می‌دانند. کمتر بودن مجازات زن مرتد مستند به حدیثی است که از پیامبر (ص) نقل شده که آن حضرت از کشتن زنان نهی نموده است و هم چنین سبک بودن مجازات زن مرتد به ساختار فیزیکی و شخصیتی زن مربوط می‌شود. برخی مذاهب اسلامی مجازات مالی سختی را برای مرتد در نظر گرفته است تا جایی که وصیت و وقف وی را باطل می‌دانند. در بحث ازدواج نیز برخی مذاهب اسلامی معتقدند که شخص مرتد در به ازدواج درآوردن دختر و خواهرش ولایت ندارد و هم چنان به شخص مرتد اجازه ازدواج داده نمی‌شود، حتی با زن غیر مسلمان. هم‌چنان فقهای مالکیه معتقد است که شخص مرتد نباید کفن گردیده و در قبرستان مسلمین و کفار دفن گردد.

۴- تمامی مذاهب فقهی اسلامی برای توبه مرتد اهمیت قائل است و برخی شان معتقدند که باید به مرتد مهلت توبه داده شود، برخی توبه خواهی را مستحب و برخی واجب می‌دانند. شیعه با توجه به تقسیم بندی مرتد ملی و فطری، برای مرتد ملی مهلت

توبه می‌دهد و برخی قائل است که باید برای رفع شبهه‌یی که موجب ارتداد شخص شده تلاش نمود و برای آن پاسخ ارایه نمود.

۵- بین اعتقاد اسلام به آزادی‌های گوناگون از جمله آزادی‌های شخصی، فکری و دینی و بین اعتقاد به اینکه تغییر کیش و آیین جرم است، منافات ندارد؛ زیرا اسلام در انتخاب و پذیرش دین بیشترین اختیار را برای انسان داده است تا با آگاهی و بصیرت کامل دین خویش را برگزیند. به نظر اسلام انسان در پذیرش دین اختیار دارد و هیچ‌گونه اجباری ندارد. ولی چنانچه دین را پذیرفت، تغییر آن ممکن نیست؛ زیرا کنار گذاشتن و تغییر آن مشکلاتی را برای اسلام و پیروانش به بار می‌آورد؛ لذا اسلام همانند سایر مکاتب، در جایی که نظام عقیدتی اش در خطر باشد، آن را جرم انگاری نموده و بشدت برخورد نموده است.

#### منابع و مأخذ

۱. ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد. (۱۴۰۹)، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، بیروت: دارالفکر، ج: ۳.
۲. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۳۷۴)، روض الجنان و روح الجنان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳. الجبلی العاملی، زین الدین مشهور به شهید ثانی. (۱۴۱۰)، الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة، المكتبة العلمیة الاسلامیة، ج: ۲.
۴. الجریری، عبدالرحمن. (۱۴۱۹)، الفقه علی المذاهب الاربعه، مترجم: الغروی، سید محمد و دیگران، بیروت: منشور دارالثقلین، ج: ۵.
۵. الموسوی الخمینی، روح الله. (۱۳۶۳)، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج: ۲.
۶. امینی، علی رضا. آیتی، سید محمود رضا. (۱۳۷۵)، تحریر الروضة الدمشقیه، تهران: مؤسسه فرهنگی طه.
۷. حرعاملی، محمدبن حسن. (بی تا)، وسایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج: ۲۸.
۸. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲)، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۹. شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۳)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، نامه ۳۱.
۱۰. طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲)، تفسیر پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج: ۲.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج: ۲.
۱۲. مخلص هروی، عبدالرؤف. (۱۳۹۸)، نظام مالی و بانک‌داری اسلامی، کابل: بنیاد آسیا.
۱۳. عوده، عبدالقادر. (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی، مترجم: فرهودی نیا، حسن، تهران، نشر احسان، ج: ۲.
۱۴. فیض، علی رضا. (۱۳۷۳)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. فیض، علی رضا. مهذب، علی. (۱۳۶۶)، ترجمه لمعة شهید اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج: ۲.
۱۶. قربانی، زین العابدین. (۱۳۶۷)، اسلام و حقوق بشر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. مجموعه من کبار اساتذه الفقه الاسلامی. (۱۴۱۱)، موسوعه الفقه الاسلامی المقارن الشهیره بموسوعه جمال عبدالناصر الفقیه. مصر: المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیة، ج: ۴.
۱۸. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۳)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام مع تعلیقات السید الصادق الشیرازی، تهران: انتشارات استقلال، ج: ۲.
۱۹. نذیر، دادمحمد. (۱۳۹۶)، حقوق جزای اختصاصی اسلام، کابل، انتشارات حامد رسالت.
۲۰. زدی، محمد. (۱۳۷۴)، فقه القرآن، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج: ۲.